

گونه‌شناسی تطبیقی منقولات أمّ سلمه در منابع فریقین*

مهدی رضوانی مجد^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۳

چکیده

یکی از مهمترین موضوعاتی که در صدر اسلام و دوران پس از آن، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود، موضوع نقل حدیث و روایتگری است؛ به طوری که مقام یک راوی حدیث از هزار عابد بالاتر دانسته می‌شود. اهمیت گونه‌شناسی تطبیقی منقولاتِ رواییِ أمّ سلمه در منابع فریقین، به دلیل جایگاه او به عنوان همسر پیامبر گرامی اسلام ﷺ و یکی از صحابه مهم ایشان که در میان مردم از شأن خاصی برخوردار بود، برجسته است. بدین جهت، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای گسترده از شیعه و اهل سنت، به دنبال ارائه گونه‌شناسی تطبیقی موضوعاتِ رواییِ أمّ سلمه در منابع فریقین می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد برخی از روایات او به طور انحصاری در منابع اهل سنت، برخی دیگر در منابع شیعه و برخی دیگر مشترک میان منابع این دو مذهب دیده می‌شوند. روایات انحصاری بیشتر در موضوعات کلامی مطرح شده‌اند، در حالی که روایات مشترک شامل موضوعات کلامی، فقهی، اخلاقی - تربیتی و تفسیری هستند.

واژگان کلیدی: أمّ سلمه، گونه‌شناسی، شیعه، اهل سنت، روایات، منابع فریقین.

*. این مقاله یکی از نتایج طرح «نقش أمّ سلمه در تاریخ اسلام» در موسسه آموزش عالی ائمه اطهار علیهم‌السلام است. از این رو، از حمایت‌های مادی و معنوی این مرکز و به ویژه راهنمایی‌های مدیر محترم این طرح جناب حجت الاسلام و المسلمین ابراهیم رضائی کلیری کمال تشکر را دارم.

۱. دانش‌پژوه سطح سه کلام اسلامی، موسسه آموزش عالی ائمه اطهار علیهم‌السلام. bezirdastan.0012@gmail.com

مقدمه

گونه‌شناسی، یکی از پُرکاربردترین شیوه‌های تجزیه و تحلیلی است که در روایات مورد استفاده پژوهشگران قرار می‌گیرد. گونه‌شناسی این قدرت را به ما می‌دهد تا خوب توصیف کنیم و فهرست جامعی از ابعاد موضوع را به دست آوریم. در این میان گونه‌شناسی روایات اشخاصی چون اُمّ سلمه که از طرفی همسر رسول خدا ﷺ بوده و از جمله صحابی مورد تأیید شیعه و اهل سنت است، از اهمیت فزونتری برخوردار است.

اُمّ سلمه یکی از شاخص‌ترین همسران پیامبر اکرم ﷺ است. نام او هند و دختر ابی امیه بن مغیره است. او جزء نخستین افرادی است که به اسلام روی آورده و به حبشه و مدینه هجرت کرد. او در بسیاری از جنگ‌ها همراه و یاور رسول خدا ﷺ بوده و در حوادثی چون جانشینی پیامبر اکرم ﷺ، در سقیفه و جنگ جمل به یاری اهل بیت علیهم السلام برخاسته است. او همچنین روایات فراوانی را از وجود مقدس رسول خدا ﷺ و حضرت زهرا علیها السلام نقل کرده است؛ همچنین اشخاص مهمی چون امام محمد باقر علیهما السلام، اسامه بن زید، سعید بن مسیب، حبيب بن ابی ثابت و عبدالله بن عباس از ایشان روایت نقل کرده‌اند (حافظ مزی، ۱۴۰۰ق: ۳۱۷/۳۵ و ۳۱۸)؛ تعداد روایات او در منابع مختلف، گوناگون است. احمد بن حنبل ۲۸۰ روایت در مُسندش (احمد بن حنبل، ۱۴۲۴ق: ۱۶۹-۲۲۹) و طبرانی در کتاب معجم الکبیر خود ۵۱۸ روایت از ایشان نقل کرده است (طبرانی، ۱۴۲۲ق: ۲۴۶/۲۳-۲۴۱)؛ البته ذهبی تعداد روایات او را ۳۷۸ روایت برمی‌شمارد. بخاری و مسلم نیز بر ۱۳ مورد از روایات او اتفاق نظر داشته و مسلم ۱۳ روایت و بخاری ۳ روایت از روایات او را در کتب خود آورده‌اند (ذهبی، ۱۴۱۷ق: ۴۷۹/۳). حال سؤال این است که منقولات این شخصیت تراز در کتب شیعه و اهل سنت در چه موضوعاتی نقل شده است؟

این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی به گونه‌شناسی تطبیقی روایات ایشان در زمینه‌های گوناگون در کتب شیعه و اهل سنت می‌باشد.

۱. پیشینه پژوهش

با توجه به شخصیت و منزلت اُمّ سلمه در جهان اسلام، درباره‌ی ایشان تألیفات فراوانی از سوی علماء شیعه و اهل سنت به رشته تحریر درآمده است؛ اما نوشته‌ی مستقلی درباره‌ی

پژوهش حاضر نگاشته نشده است. نزدیک‌ترین تحقیق به این موضوع عبارتند از:

۱. رساله دکتری «مسند ام‌المؤمنین سیده أمّ سلمه من مسند الإمام أحمد بن حنبل»، تألیف عبیدالله ابوالقاسم محمد رفیق، دانشگاه ام‌القری عربستان، سال ۱۴۰۴ق. این کتاب اگرچه از دسته‌بندی و نظم خوبی برخوردار می‌باشد؛ اما از این جهت که فقط به روایت أمّ سلمه در کتاب مسند احمد بن حنبل اکتفاء نموده، دارای ضعف و نقصان است.
 ۲. مقاله «تحلیل محتوای روایات أمّ سلمه در منابع شیعی» اثر محمدنقی ولایتی، محمدباقر حجتی و مهدی مهریزی، فصلنامه شماره ۲۶ کتاب قیّم، سال ۱۴۰۱ش. در این مقاله به تحلیل محتوای برخی از روایات أمّ سلمه پرداخته شده و علاوه بر این به گونه‌شناسی روایات او فقط در چهار کتب اصلی شیعه پرداخته است.
- بنابراین وجه امتیاز پژوهش پیش‌رو، گونه‌شناسی تطبیقی روایات أمّ سلمه در تمام موضوعات و در کتب شیعه و اهل سنت است.

۲. شناختنامه

یکی از شاخص‌ترین همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله أمّ المؤمنین أمّ سلمه است. نام او هند و پدرش ابی امیه بن مغیره از قبیله مخزوم و به «زاد الرّکب» معروف بود. این لقب به خاطر بخشش فراوانش بود، تا آنجا که تمام هزینه‌های هم‌سفرانش را می‌پرداخت (قرطبی، ۱۴۱۲ق: ۱۹۲۱/۴).

أمّ سلمه قبل از ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، همسر ابوسلمه عبدالله بن عبدالاسد مخزومی و هر دو از نخستین شخصیت‌هایی بودند که اسلام آورده و به حبشه و پس از آن به مدینه هجرت کردند (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۱ق: ۲۷۶/۷). در کتب انساب و رجال، حاصل این ازدواج را چهار فرزند به نام‌های سلمه، عمر یا عمرو (طوسی، ۱۴۲۷ق: ۴۳ و ۴۸)، دُرّه و زینب ثبت کرده‌اند (زبیری، بی تا: ۳۳۷؛ مامقانی، ۱۳۵۲ق: ۷۲/۳).

نخستین خواستگاران او پس از شهادت همسرش، ابوبکر و عمر بودند، ولی أمّ سلمه به هر دو آنان پاسخ منفی داد ولی درخواست رسول خدا صلی الله علیه و آله را برای ازدواج اجابت کرد (ابن سعد، ۱۴۱۴ق: ۶۶/۶) و در سال چهارم هجری به همسری آن حضرت درآمد. أمّ سلمه از جهت اخلاق و نسب، از اشرف زنان پیامبر بعد از خدیجه کبری علیها السلام بود (ذهبی، ۱۴۱۷ق: ۴۷۴/۳).

همراهی و همدلی امّ سلمه در برخی از حوادث و غزوات مانند مریس، خیبر، حدیبیه، فتح مکه و حنین تاجایی بود که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به او وعده عاقبت به خیری دادند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۲/۲۲). ام المؤمنین امّ سلمه پس از رحلت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تسلیم او امر اهل بیت آن حضرت بود و تا آخر عمر از آنان حمایت کرد (صدوق، ۱۳۷۶ش: ۳۱۵). او در وقایع مهمی چون سقیفه از حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام دفاع کرد و جزو افرادی بود که در تشیع پنهانی آن حضرت حضور داشت (طبری، ۱۴۱۳ق: ۱۲۴-۱۳۳). در جنگ جمل افزون بر این که دو فرزند خود را برای همراهی امام علی عَلَيْهِ السَّلَام فرستاد (ابن حیون، ۱۴۰۹ق: ۱۹/۲)، از آن حضرت در مقابل دشمنانش دفاع کرد و آنان را از جنگ با حضرت بر حذر داشت (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۳۳).

امّ سلمه یکی از محدثین و راویان احادیث و معارف اسلامی است و در موضوعات مختلف به خصوص مباحث مربوط به جایگاه و منزلت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، روایات فراوانی نقل کرده است. طبق گفته ذهبی، تعداد روایات ایشان در کتب اهل سنت، ۳۷۸ عدد می باشد (ذهبی، ۱۴۱۷ق: ۳/۴۷۹). روایات امّ سلمه در مورد شهادت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام از زبان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بخشی از منقولات او می باشد (یوسفی غروی، ۱۳۹۳ش: ۳/۴۳۰). سرانجام این شخصیت والا مقام در اوایل خلافت یزید رحلت نمود و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد (ابن اثیر جزری، ۱۴۲۳ق: ۶/۲۹۴).

۳. منقولات اختصاصی اهل سنت

برخی از منقولات امّ سلمه، فقط در کتب اهل سنت نقل شده و در کتب شیعه مطلبی از آن وجود ندارد. این موضوعات فقط شامل مباحث کلامی می باشد. در این بخش، موضوعات مطرح شده، شامل توحید و شرک، زیارت قبور و تبرک است که تأثیر بسزایی در اعتقادات آن ها دارد. در ادامه به بیان آن پرداخته شده است.

۳-۱. توحید و شرک

اساسی ترین هدف بعثت پیامبران، دعوت به یگانه پرستی و دوری از شرک و بت پرستی است *«وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»* (نحل: ۳۶) و همه

پیامبران آمدند تا ما را با معارف الهی، از طاغوت‌های زمان و نفس سرکش رهایی داده و به رحمت الهی نائل کنند ﴿إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ﴾ (هود: ۱۱۹).

از ام المؤمنین ام‌سلمه در مورد یکتاپرستی فقط یک روایت آن هم در کتب اهل سنت یافت شده و در کتب شیعه مطلبی در این باره وجود ندارد. بنابر نقل ام‌سلمه از رسول خدا ﷺ که فرمودند: هر کس جمله «لا إله الا الله وحده لا شریک له» را بگوید، برای او حسنه نوشته می‌شود «مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ كُتِبَ لَهُ كَذَا وَ كَذَا حَسَنَةً» (طبرانی، ۱۴۲۲ق: ۲۷۹/۲۳).

۲-۳. زیارت قبور

بحث زیارت قبور در دین اسلام یکی از عبادات مستحبی می‌باشد که از دیرباز سنتی حسنه به‌شمار می‌رفت و مردم برای انس با از دست‌رفتگان خویش، به مدفن آن‌ها رفته و برای آن‌ها دعاء و طلب آمرزش می‌کردند. ام‌سلمه از جمله افرادی است که به این سیره عملی پایبند بود. او بعد از جنگ احد، همراه بر مزار پاک شهدای احد رفته و بر آن‌ها درود می‌فرستاد (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق: ۴۰/۱۵). در یکی از این ایام که ام‌سلمه غلام خود، نهان را همراه خود برده بود، به خاطر سلام ندادن غلامش به شهدای احد، او را ملامت کرد و به او گفت: «آیا به آنان سلام نمی‌دهی؟ به خدا سوگند، احدی بر آنان سلام نمی‌دهد مگر اینکه آن‌ها تا قیامت پاسخ او را می‌دهند» (واقعی، ۱۴۱۸ق: ۳۱۴/۱). با جستجو در روایات ام‌سلمه، روشن می‌گردد که ایشان از پیامبر اکرم ﷺ روایتی در خصوص زیارت قبور نقل کرده که دال بر استحباب آن است. بنابراین نقل، رسول خدا ﷺ فرمود: «شما را از زیارت قبور نهی کرده بودم، ولی قبور را زیارت کنید، همانا در زیارت قبور برای شما عبرت است» «نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ فَرُّوْهُمَا، فَإِنَّ لَكُمْ فِيهَا عِبْرَةً» (طبرانی، ۱۴۲۲ق: ۲۷۸/۲۳ و هیثمی، ۱۴۱۲ق: ۱۸۴/۳). بنابراین دو گزارش ام‌سلمه در حیطة اندیشه و عمل نشان داده که زیارت قبور مورد رضایت شارع بوده و شرک محسوب نمی‌گردد.

هرچند در روایات ضمیر «کم» آمده و مخاطب را به این سو می‌کشاند که زیارت قبور فقط مختص مردان است، اما باید به این نکته توجه کرد که ضمیر «کم» در اینجا از باب تغلیب آمده است، همان‌گونه که در بسیاری از آیات قرآن کریم، خطاب به‌صورت مذکر

آمده است و زنان را شامل می‌شود ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ﴾ (بقره: ۱۱۰). روایت دیگری نیز از حضرت ام‌سلمه به نقل از رسول خدا ﷺ در باب زیارت قبور وجود دارد که مضمون آن‌ها بر نهی از بنای بر قبور و گنجبری کردن آن دلالت دارد (هیثمی، ۱۴۱۲ق: ۱۹۱/۳). البته این روایت به سبب تعارض با روایات دیگر، نیازمند بررسی سندی و دلالتی است. بنابر پژوهش انجام شده، از ام‌سلمه روایتی درباره زیارت قبور در کتب حدیثی شیعه نقل نشده است.

۳-۳. تبرک

تبرک در لغت به معنای نماء و زیادت بوده (فیروزآبادی، ۱۴۰۳ق: ۲۹۳/۳؛ ابن‌منظور، ۱۴۰۵ق: ۳۹۵/۱۰) و در اصطلاح عبارت است از طلب برکت و زیادت از خدا بواسطه چیزی (طوسی، ۱۴۳۰ق: ۶۵۸/۸). اگرچه این اصطلاح قرابت خاصی با توسل دارد؛ اما این دو باهم تفاوت دارند. در واقع توسل استمداد از غیر خدا مثل رسول خدا ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام برای رسیدن به خداست در حالی که تبرک، طلب فزونی و برکت در چیزی است. برخی تبرک در مورد پیامبر اکرم ﷺ و اشیاء مختص به ایشان را جایز دانسته و برخی آن را مطلقاً حرام و شرک می‌دانند (غیب‌غلامی، ۱۳۹۶ش: ۴۵۰-۴۵۳)؛ درحالی‌که با تتبع در روایات درمی‌یابیم که این سیره در میان اصحاب جاری بوده و در حوادث مختلف از موی سر، کفش، ظرف آبخوری، شمشیر و زره رسول خدا ﷺ به‌عنوان تبرک استفاده می‌کردند (بخاری، ۱۴۲۲ق: ۵۵۳). بنابر برخی گزارش‌ها وقتی رسول خدا ﷺ به سفر حج می‌رفت و موی سر خود را می‌تراشید، به برخی از اصحاب خود دستور می‌داد تا آن را بین مردم تقسیم کنند (مسلم، ۱۴۲۰ق: ۵۶۰). این اقدام رسول خدا ﷺ نشان از جواز این عمل دارد.

ام‌سلمه نیز از جمله صحابی رسول خدا ﷺ بود که موی ایشان را به‌عنوان تبرک نزد خود نگه داشته بود. عبدالله بن وهب می‌گوید: «بر ام‌سلمه وارد شدیم. او جعبه‌ای برای ما آورد که در آن موی رسول خدا ﷺ قرار داشت. ام‌سلمه خود گفت: این موی رسول خدا می‌باشد (طبرانی، ۱۴۲۲ق: ۳۳۲/۲۳) و وقتی کسی بیمار می‌شد، آن را با آب مخلوط کرده و روی صورت او می‌پاشید تا بهبود یابد (بیهقی، ۱۴۰۵ق: ۲۳۶/۱). با پژوهش‌های صورت گرفته، از ام‌سلمه روایتی درباره موضوع تبرک در کتب حدیثی شیعه یافت نشد.

۴. منقولات اختصاصی شیعه

برخی دیگر از منقولات أم سلمه، اختصاص به منابع شیعی دارد. روایاتی که در این منابع شیعی آمده، فقط به مباحث کلامی اختصاص دارد که شامل امامت امیرالمؤمنین علیه السلام، بیعت حضرت مهدی علیه السلام و فضائل ۱۲ امام می‌باشد.

۴-۱. امامت امیرالمؤمنین علیه السلام

از نظر شیعیان، یکی از شروط لازم در امامت، افضلیت است؛ چرا که مقام امامت در واقع جانشینی رسول خداست و امام باید همچون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از نظر علم، رأی، فهم، شجاعت، کرامت و... افضل مردم باشد (مظفر، ۱۴۲۲ق: ۲۳۷/۴). در کتب شیعه درباره جانشینی آن حضرت روایاتی از أم سلمه نقل شده است.

بنابر برخی روایات روزی امیرالمؤمنین علیه السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله در خانه أم سلمه بود. پیامبر از أم سلمه می‌خواهد تا از خانه خارج شود. مدتی می‌گذرد و أم سلمه با اینکه سه بار درخواست ورود به خانه می‌کند، اما پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هر بار اجازه نمی‌دهند؛ اما در مرتبه چهارم به او اذن ورود می‌دهند و به او می‌فرمایند: «ای أم سلمه، از من ناراحت نباش (به خاطر اجازه ندادن)، همانا فرشته وحی از جانب خدا به من امر کرد تا علی علیه السلام را به عنوان جانشین بعد از خود انتخاب کنم و من در میان علی علیه السلام و جبرئیل بودم و جبرئیل در سمت راست من قرار داشت...»؛ «يَا أُمَّ سَلَمَةَ لَا تَلُومِينِي فَإِنَّ جِبْرِيْلَ أَتَانِي مِنَ اللَّهِ يَا مَرْءُ أَنْ أُوصِي بِعَلِيٍّ مِنْ بَعْدِي وَ كُنْتُ بَيْنَ جِبْرِيْلَ وَ عَلِيٍّ وَ جِبْرِيْلُ عَنْ يَمِينِي فَأَمَرَنِي جِبْرِيْلُ أَنْ أُمِرَ عَلِيٌّ بِمَا هُوَ كَائِنٌ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْحَبْرَةِ» (سید ابن طاووس، ۱۴۰۰ق: ۲۵/۱).

بنابر نقل أم سلمه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نوشته‌ای به او دادند و از او خواستند هر کس آن را از تو طلب کرد، به او تحویل بده، چون جانشینی من متعلق به اوست. هنگامی که ابوبکر، عمر و عثمان به خلافت رسیدند آن را از أم سلمه درخواست نکردند اما پس از بیعت مردم با امام علی علیه السلام، آن حضرت نوشته را از أم سلمه طلب کرد و أم سلمه نیز آن را به ایشان تحویل داد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ۳۷/۲؛ صفار، ۱۴۰۴ق: ۱۹۱/۱).

۲-۴. بیعت حضرت مهدی علیه السلام

باور به ظهور اصلاحگر جهانی، که فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله است، مورد اتفاق همه مسلمانان می‌باشد و به همین خاطر شیعه و اهل سنت کتب متعددی در زمینه ولادت، حکومت و نشانه‌های ظهور آن حضرت نگاشته‌اند (هاشمی شهیدی، ۱۳۸۷ش: ۴۶). بخشی از منقولات ام سلمه نیز درباره امام مهدی علیه السلام است. منقولات ام سلمه در کتب اهل سنت، فقط به این نکته اشاره دارد که او از فرزندان حضرت زهرا علیها السلام می‌باشد ولی از حکومت و سیره وی سخنی به میان نیامده است. طبق این گزارش نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله از مهدی علیه السلام نام برده شد، ایشان فرمود: «او از فرزندان فاطمه است»؛ «ذُكِرَ الْمَهْدِيُّ عِنْدَ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله، فَقَالَ: «مِنْ وَدِدِ فَاطِمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا» (طبرانی، ۱۴۲۲ق: ۲۶۷/۲۳).

اما در روایات شیعه افزون بر اینکه او را از فرزندان حضرت زهرا علیها السلام برمی‌شمارد، درباره بیعت او آمده است که حضرت مهدی علیه السلام بین رکن و مقام با مردم بیعت می‌کند (حرعاملی، ۱۴۲۵ق: ۲۵۴/۵).

طبق روایات ام سلمه حضرت مهدی علیه السلام می‌آید تا حکومت جهانی تشکیل داده و طبق سنت و سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله عمل کند و عمر حکومت او تا هفتاد سال ادامه می‌یابد و پس از آن کشته خواهد شد و مسلمانان بر او نماز می‌خوانند، «الْمَهْدِيُّ مِنْ عِزَّتِي مِنْ وَدِدِ فَاطِمَةَ»، وَ يُزَوَّى: «وَيَعْمَلُ فِي النَّائِسِ بِسُنَّةِ نَبِيِّهِمْ فَيَلْبَثُ سَبْعَ سِنِينَ ثُمَّ يَمُوتُ وَ يُصَلَّى عَلَيْهِ الْمُسْلِمُونَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۰۴/۵۱).

همچنین در روایت دیگری آمده است، هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به معراج رفت، سیزده نور را مشاهده کرد که نور حضرت زهرا علیها السلام و ائمه معصومین علیهم السلام بودند و نور حضرت حجت بین آن نورها، روشنایی بیشتری داشت و اوست که زمین را پر از عدل خواهد کرد (حرعاملی، ۱۴۲۵ق: ۱۷۵/۲).

۳-۴. معرفی و فضائل دوازده امام

در برخی از برهه‌های تاریخی درباره تعداد امامان هدایتگر پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله، در میان شیعیان اختلاف شد. غفلت و جهل مردم سبب شد تا آنان در شناخت ائمه علیهم السلام دچار لغزش شوند و فرقه‌های زیدیه، واقفیه، اسماعیلیه، کیسائییه، شیخیه در میان شیعیان شکل گیرد.

بررسی روایات رسول خدا ﷺ نشان می‌دهد که ایشان بارها و بارها تعداد ائمه پس از خود را ذکر کرده‌اند. بخشی از منقولات أمّ سلمه در باب معرفی دوازده امام است که فقط در کتب شیعه نقل شده است. بنابر نقل أمّ سلمه از رسول خدا ﷺ، امامان بعد از ایشان به تعداد نساء بنی اسرائیل است که دوازده نفر بودند؛ نه امام آن، از فرزندان حسین ﷺ هستند که خداوند متعال علم و فهم رسول خدا را به آنان داده است (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق: ۱۸۴).

بنابر نقل أمّ سلمه پیامبر اکرم ﷺ افزون بر بیان تعداد امامان معصوم، از نام آنان نیز غافل نشده و آن را برای مردم ذکر کرده‌اند. بنابراین روایت پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «زمانی که به آسمان برده شدم، دیدم بر عرش خدا نوشته شده است: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ...» علی را برای او کمک کار قرار دادم و به واسطه علی او را نصرت دادم. در عرش خدا نور علی و فاطمه و حسن و حسین و نور علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و نور حجت را دیدم که بین آنها کوکب درّی می‌درخشید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۳۶/۴۸۳). گویا رسول خدا ﷺ می‌دانسته که شیعه در طول دوران حکمرانی خود، به دسته‌های مختلفی تجزیه می‌شود و می‌خواست با بیان این روایات، از این اختلافات جلوگیری کند.

۵. منقولات اشتراکی بین شیعه و اهل سنت

برخی دیگر از منقولات أمّ سلمه، هم در کتب شیعه و هم در کتب اهل سنت بیان شده است که شامل مباحث کلامی، اخلاقی و تربیتی، تفسیری و فقهی می‌باشد.

۱-۵. منقولات کلامی

منقولات کلامی که از أمّ سلمه در کتب فریقین به صورت مشترک بیان شده، در مورد فضائل اهل بیت ﷺ می‌باشد. گاهی این روایات به صورت کلی در مورد اهل بیت ﷺ بیان شده و گاهی به صورت اختصاصی نقل شده است.

۱-۱-۵. فضائل اهل بیت ﷺ

از جمله آیاتی که در بسیاری از کتب فریقین در مورد فضائل اهل بیت ﷺ نقل شده، آیه تطهیر و واقعه کساء است. أمّ سلمه می‌گوید: «هنگامی که آیه تطهیر نازل شد، من در کنار

در نشسته بودم و علی، فاطمه و حسنین علیهم السلام داخل منزل بودند. بعد از نزول آیه، رسول خدا صلی الله علیه و آله آن‌ها را زیر کساء خود قرار داده و دعا می‌کند. امّ سلمه از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال می‌کند که آیا من هم جزء اهل بیت هستم؟ ایشان در پاسخ می‌فرمایند: «تو عاقبت به خیر می‌شوی» (طبری، ۱۴۱۲ق: ۷/۲۲؛ طبرانی، ۱۴۲۲ق: ۳۹۳/۲۳-۳۹۶؛ صدوق، ۱۳۶۲ش: ۴۰۳/۲؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۳۶۸).

امّ سلمه روایات فراوانی درباره فضائل و مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام بیان کرده که در بسیاری از کتب فریقین ثبت شده است. از امّ سلمه نقل شده است که امام علی علیه السلام از نظر عهد و وفا، نزدیکترین مردان به رسول خدا صلی الله علیه و آله بود (ابن حیون، ۱۴۰۹ق: ۲۸۲/۲؛ احمد بن حنبل، ۱۴۲۴ق: ۱۹۰/۱۰). یا در روایت دیگری پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: نسبت علی علیه السلام به من همانند نسبت هارون به موسی بود غیر از اینکه بعد از من، پیامبری نخواهد بود (طبرانی، ۱۴۲۲ق: ۳۷۷/۲۳؛ یا بیان فرمودند: هر کجا علی علیه السلام باشد، حق همان جاست (حرّعاملی، ۱۴۲۵ق: ۲۲۲/۳؛ طبرانی، ۱۴۲۲ق: ۳۲۹/۲۳ و ۳۳۰)؛ یا اینکه فرمودند هیچ مؤمنی نیست که نسبت به علی علیه السلام کینه داشته باشد و هیچ منافقی نیست که او را دوست داشته باشد (احمد بن حنبل، ۱۴۲۴ق: ۱۷۶/۱۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۶۴۱/۲۹)؛ و همچنین روایت علی با قرآن است و قرآن با علی است را نیز نقل کرده است (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۷۹).

از امّ سلمه درباره همسر امیرالمؤمنین علیه السلام یعنی حضرت زهرا علیها السلام نیز روایاتی نقل شده است که فریقین آن‌ها را در کتب خود نقل کرده‌اند. بنابر برخی گزارش‌ها، سرپرستی حضرت زهرا علیها السلام پس از وفات مادرش، به امّ سلمه واگذار شد (طبری، ۱۴۱۳ق: ۸۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۰/۴۳)؛ امّ سلمه در وقایع حساس و مهمی همچون سقیفه، یار و یاور حضرت زهرا علیها السلام بوده و از معدود افرادی بود که در تشیع پنهانی آن حضرت شرکت داشت (طبری، ۱۴۱۳ق: ۱۲۴-۱۳۳).

منقولات ایشان در خصوص حضرت زهرا علیها السلام در منابع فریقین بسیار اندک است. از امّ سلمه نقل شده است که فرمود: «فاطمه علیها السلام شبیه‌ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله از نظر وجاهت و چهره بود.»؛ «كَانَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ أَشْبَهَ النَّاسِ وَجْهًا وَ شَبَهًا بِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله» (اربلی، ۱۳۸۱ق: ۴۷۱/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۵۵/۴۳).

روایات دیگر ایشان دربارهٔ داستان ازدواج او با امیرالمؤمنین علیه السلام (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۳۰/۳۹)، کفو بودن آن دو (همان: ۷۷/۴۰)، ماجرای تشریح تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام (هیثمی، ۱۴۱۲ق: ۱۶۷/۱۰؛ طبرانی، ۱۴۲۲ق: ۳۳۹/۲۳؛ احمد بن حنبل، ۱۴۲۴ق: ۱۸۷/۱۰) و پرسش از رسول خدا صلی الله علیه و آله دربارهٔ احکام (احمد بن حنبل، ۱۴۲۴ق: ۱۹۶/۱۰؛ طبرانی، ۱۴۲۲ق: ۲۷۰/۲۳ و ۲۷۱)، نقل شده است.

بخشی از منقولات أمّ سلمه دربارهٔ دو شخصیت بزرگ جهان اسلام یعنی امام حسن و امام حسین علیهما السلام است. أمّ سلمه علاقهٔ فراوانی به آن دو داشت و آن‌ها نیز متقابلاً او را دوست داشتند به حدّی که او را مادر خطاب می‌کردند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۸۹/۲۷) و در خانه او رفت و آمد داشتند. همین موضوع سبب شد تا حضرت زهرا علیها السلام نزد رسول خدا گله کنند. رسول خدا صلی الله علیه و آله موضوع را با أمّ سلمه مطرح کرده و از او پرسیدند که آیا آن دو را دوست داری؟ او گفت: «به خدا سوگند، آری!» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سوگند به خدایی که مرا به پیامبری مبعوث کرد، این دو سید جوانان بهشت هستند» (ابن حیون، ۱۴۰۹ق: ۱۱۳/۱). او پس از متولد شدن امام حسین علیه السلام، کفالت و سرپرستی ایشان را بر عهده گرفت (صدوق، ۱۳۸۵ش: ۲۰۶/۱).

أمّ سلمه دربارهٔ فضیلت و جایگاه ویژهٔ آن دو نفر در نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایات فراوانی نقل کرده است که در کتب روایی فریقین موجود است. بنابر نقل أمّ سلمه روزی حسین علیه السلام به منزل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمدند، رسول خدا صلی الله علیه و آله به خاطر علاقهٔ بسیاری که به آن دو داشت، یکی را روی زانوی چپ و دیگری را روی زانوی راست نشانید و گاهی حسن علیه السلام و گاهی حسین علیه السلام را مورد نوازش قرار می‌داد و آن‌ها را نور چشمان خود خطاب می‌کرد (ابن‌شاذان قمی، ۱۴۲۳ق: ۶۹). بنابر نقل أمّ سلمه روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در خانه بوده و گویا انتظار کسی را می‌کشیدند؛ از طرفی، از أمّ سلمه خواسته بودند که هر کسی اجازهٔ ورود ندارد؛ تا اینکه امام حسین علیه السلام خدمت ایشان رسیده و داخل شدند؛ بعد از گذشت مدتی، دست بر سر امام حسین علیه السلام کشیده و گریستند. ایشان دربارهٔ علت گریه فرمودند: «جبرئیل در خانه حضور داشت و از من سؤال کرد که آیا حسین علیه السلام را دوست داری؟ گفتم: آری. گفت: او به زودی به دست امت کشته خواهد شد». رسول خدا صلی الله علیه و آله از جبرئیل

مقداری از تربیت محل شهادت آن حضرت را گرفته و در ظرفی قرار دادند. هنگام شهادت اباعبدالله علیه السلام، تربت با خون گلگون شد (طبرانی، ۱۴۲۲ق: ۲۸۹/۲۳؛ شامی، ۱۴۲۰ق: ۵۳۷). پس از آن که خیر شهادت امام به ام سلمه رسید، برای ایشان عزاداری کرده و اهل عراق را لعن و نفرین کرد (طبرانی، ۱۴۲۲ق: ۳۳۸/۲۳؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۱۱۱/۲؛ سید ابن طاووس، ۱۴۰۰ق: ۱۲۶۱).

۵-۲. منقولات اخلاقی و تربیتی

برخی از منقولات ام سلمه، روایات اخلاقی و تربیتی است. از جمله آموزه‌های دینی ما مسلمانان که هدف بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز بوده، اخلاق و تربیت اسلامی است: «إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ» (آل عمران/۱۶۴).

ام سلمه از جمله کسانی است که به روایات اخلاقی معصومین علیهم السلام عمل می نمود و در تلاش بود تا این آموزه‌ها را در اختیار عموم قرار داده تا جامعه‌ای اخلاق مدار شکل بگیرد. این روایات هم در کتب شیعه و هم در کتب اهل سنت نقل شده است. از جمله موضوعاتی که در روایات اخلاقی ایشان به چشم می خورد، عبارتند از: سفارش به ادعیه، صلۀ رحم، پرداخت صدقه، نهی از تعلیم علم برای فخرفروشی، آداب خوردن شیر، نهی از جدال و ستیز، مسواک زدن، مشورت گرفتن از افراد مورد اطمینان، نهی از آزار و اذیت همسایه، آداب افطار کردن و قرائت قرآن (طبرانی، ۱۴۲۲ق: ۲۴۶/۲۳-۲۴۱؛ احمد بن حنبل، ۱۴۲۴ق: ۱۶۹-۲۲۹).

یکی از مهم ترین و بهترین راه‌های ارتباط با خداوند متعال، دعاست. خداوند متعال در آیه ۶۰ سوره غافر، همه مردم را به دعا کردن فرامی خواند: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ». رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز دیگران، از جمله ام سلمه را به دعا کردن سفارش می کردند. از ام سلمه نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله ما را به دعا کردن سفارش کردند و فرمودند: «هنگام دعا بگوید: اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَا شَيْءَ قَبْلَكَ وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَا شَيْءَ بَعْدَكَ». (طبرانی، ۱۴۲۲ق: ۳۵۲/۲۳). افزون بر این رسول خدا صلی الله علیه و آله، به آن‌ها آموزش می دادند تا چه نوع کلماتی را برای ارتباط با خدای خویش به کار گیرند» (طبرانی، ۱۴۲۲ق: ۳۱۶/۲۳ و ۳۱۷).

أمّ سلمه در باب دعا، روایاتی را از رسول خدا ﷺ نقل کرده است که برخی اشاره به دعاهایی است که آن حضرت بیشتر استفاده می‌کردند (طبرانی، ۱۴۲۲ق: ۳۳۸/۲۳؛ سیدمرتضی، ۱۹۹۸م: ۳۱۸/۱). برخی از این دعاها، هنگام خروج از خانه (طبرانی، ۱۴۲۲ق: ۳۲۰/۲۳؛ احمد بن حنبل، ۱۴۲۴ق: ۲۰۱/۱۰)، دعای بعد از نماز صبح (احمد بن حنبل، ۱۴۲۴ق: ۲۲۶/۱۰) و دعای هنگام اذان مغرب است (طبرانی، ۱۴۲۲ق: ۳۰۳/۲۳).

از دیگر منقولات اخلاقی - تربیتی أمّ سلمه آن است که ایشان از رسول خدا ﷺ نقل کرده است که وقتی خداوند اراده کند که به بنده‌ای خیر برساند، برای او واعظی درونی قرار می‌دهد که او را امر و نهی کند (ورام، ۱۴۱۰ق: ۷۷/۲). همچنین نقل شده است که خداوند از ناامیدی بنده خود از رحمت و عفو خداوند با توجه به گستردگی و بزرگی بودن رحمت او تعجب می‌کند (دیلمی، ۱۴۱۲ق: ۱۰۹/۱). بنابر روایت دیگری از أمّ سلمه رسول خدا ﷺ انجام دادن کارهای نیک را از جمله کارهایی بر شمرده است که آدمی را از لغزیدن در خواری‌ها ننگه می‌دارد (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۶۰۳).

برخی نقل‌های اخلاقی اهل سنت از أمّ سلمه از رسول خدا ﷺ نیز چنین است: هر کسی علم بیاموزد برای اینکه با نادانان بستیزد، یا به علماء فضل فروشی کند، جایگاهش دوزخ باشد (طبرانی، ۱۴۲۲ق: ۲۸۴/۲۳). به هیچ چیزی پس از نهی از بت پرستی به اندازه نزع و ستیزه کردن بادیگران نهی نشده‌ام (همان: ۲۶۳/۲۳). جبرئیل همواره مرا به مسواک زدن سفارش می‌کرد تا جایی که بر دندان‌هایم ترسیدم (همان: ۲۵۱/۲۳).

۳-۵. منقولات تفسیری

یکی از مهم‌ترین گونه‌های برجای مانده از روایات أمّ المؤمنین أمّ سلمه روایات تفسیری است. روایات تفسیری روایتی است که بخشی از آیه در آن مذکور باشد و یا روایت، ناظر به آیه‌ای باشد که خود آیه، در حدیث مذکور نیست اما حدیث به بیان مراد خداوند در آن آیه پرداخته و یا زمینه فهم آن را فراهم ساخته است (مهریزی، مجله علوم و حدیث، «روایات تفسیری شیعه، گونه‌شناسی و حجیت»: ۵۵). الدر المنثور سیوطی (م. ۹۱۱ق)، تفسیر عیاشی (م. ۳۲۰ق)، تفسیر فرات کوفی (م. ۳۵۲ق)، تفسیر علی بن ابراهیم قمی (م. ۳۰۷ق)، تفسیر البرهان سیدهاشم بحرانی (م. ۱۱۰۷ق) و نورالثقلین حویزی (م. ۱۱۱۲ق) برخی از مهم‌ترین

آثار شیعه و اهل سنت است که بیشترین حجم روایات تفسیری را در خود جای داده‌اند. با توجه به جایگاهی که ام سلمه نسبت به پیامبر خدا ﷺ داشت، در بسیاری از مواقع مرجع سؤالات صحابه و بقیه مردم بود و با سعه صدر و با استشهاد به اقوال رسول اکرم ﷺ به آن‌ها پاسخ می‌داد. این درخواست‌ها شامل سؤالات فقهی (مسلم، ۱۴۲۰ق: ۴۷۰؛ طبرانی، ۱۴۲۲ق: ۳۴۱/۲۳؛ البانی، ۱۴۰۵ق: ۸۳/۴)، قرآنی (ابی داود، ۱۴۲۱ق: ۶۶۷) و حتی درخواست مشورت درباره شئون مختلف زندگی بود (طبرانی، ۱۴۲۲ق: ۳۹۴/۲۳).

ام سلمه در باب قرآن اهتمام فراوانی داشته و در ترویج علوم قرآنی، از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کرد. در برخی از منابع آمده است که منزل ایشان محل نزول وحی الهی بوده و او از جمله کسانی بود که جبرئیل امین را زیارت نموده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ۳۹۱/۳). روایات تفسیری ایشان را می‌توان به چندین دسته تقسیم کرد:

دسته اول، مربوط به آیاتی هستند که ام سلمه خود سبب نزول آنان بوده است؛ به این صورت که نسبت به برخی موضوعات از رسول خدا ﷺ سؤالاتی را می‌پرسید و این گونه خداوند در پاسخ به پرسش او آیاتی از قرآن را نازل می‌کرد مانند: نزول آیه «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ...» (احزاب: ۳۵) در زمانی که ام سلمه از رسول خدا ﷺ درباره عدم یاد کردن خداوند از زنان مانند مردان در قرآن پرسشی را مطرح کرد (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۱۴۹/۲؛ ثعالبی ۱۴۱۸ق: ۳۴۷/۴؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۳۷۱/۶؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۳۱۵/۳).

دسته دوم، از روایات تفسیری ام سلمه در مورد آیاتی است که ام سلمه هنگام نزول آن‌ها حضور داشته و پس از آن، به بیان شأن نزول آن‌ها برای دیگران پرداخته است. به عنوان نمونه از ام سلمه درباره شأن نزول آیه «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (نساء: ۶۵) نقل شده است که زبیر بن عوام از مردی نزد رسول خدا ﷺ شکایت کرد. رسول خدا ﷺ به نفع زبیر حکم کرد. مرد رو به زبیر کرد و گفت: «اینکه رسول خدا ﷺ به نفع تو حکم کرد به خاطر این بود که تو پسر عمه او بودی». خداوند در پاسخ به این یاوه گویی، آیه فوق را نازل کرد

(واحدی، ۱۴۱۱ق: ۱۶۸؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ۱۰۱/۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۱۸۰/۲؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق: ۱۵۷/۷).

یکی از بیشترین منقولات تفسیری ام‌سلمه در میان آیات، مربوط به شأن نزول آیه تطهیر است که درباره جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام نقل شده و در بسیاری از کتب شیعه و اهل سنت، با نقل‌های گوناگون به چشم می‌خورد. بنابراین نقل از ام‌سلمه روایت شده است که وقتی آیه تطهیر ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب: ۳۳) نازل شد، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام را با عبایش پوشاند و فرمود: «خداوند اینان اهل بیت من هستند، پس پلیدی را از آن‌ها دور کن و آنان را پاکیزه گردان». من که در پاشنه در اتاق ایستاده بودم گفتم: «ای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم! آیا من هم با آنان هستم؟» رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «تو برخیز و به سوی خیر هستی» (طبرانی، ۱۴۲۲ق: ۳۳۳/۲۳، احمد بن حنبل، ۱۴۲۴ق: ۱۹۷/۱۰).

دسته سوم، مربوط به آیاتی است که ام‌سلمه شرح و تفسیر آن را از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کرده است. به عنوان نمونه از ام‌سلمه نقل شده که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آیه ﴿رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ﴾ (آل عمران: ۸) را زیاد تکرار می‌کرد (طبری، ۱۴۱۲ق: ۱۲۶/۳) و می‌فرمود: «يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ، بَيَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق: ۱۰/۲ و ۶۰۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۸/۲؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ۱۲۵/۳).

نقل شرح و تفسیر معنای کلمه «مکنون» در آیه ۴۹ سوره صافات (طبری، ۱۴۱۲ق: ۳۷/۲۳ و ۱۰۲/۲۷)، معنای کلمه «خیرات حسن» در آیه ۷۰ سوره الرحمن (طبرانی، ۲۰۰۸م: ۱۸۲/۶؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ۱۹۵/۹؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق: ۲۱۶/۴؛ ثعالبی، ۱۴۱۸ق: ۳۵۷/۵؛ قمی، ۱۳۶۸ش: ۵۹۰/۱۲؛ مراغی، بی‌تا: ۱۲۹/۲۷) و معنای ﴿نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ﴾ در آیه ۲۲۳ سوره بقره (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۲۶۲/۱) نیز از جمله احادیث تفسیری است که ام‌سلمه آن را از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کرده است.

دسته چهارم، منقولات تفسیری ام‌سلمه در مورد آیاتی است که کیفیت قرائت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در آن، مورد توجه قرار گرفته است؛ به این معنا که مردم از ام‌سلمه درباره قرائت برخی از آیات توسط رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از ایشان سؤال کرده‌اند و ام‌سلمه نیز قرائت آیه را

طبق دیدگاه رسول خدا ﷺ برای آنان شرح داده است. به عنوان نمونه از امّ سلمه در مورد قرائت آیه «إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ» (هود: ۴۶) سؤال شد. امّ سلمه گفت: «رسول خدا ﷺ این آیه را به صورت «إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ» تلاوت می کرد» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق: ۲۸۳/۴؛ فراء، ۱۹۸۰م: ۱۸/۲).

در مورد قرائت سوره حمد نیز از امّ سلمه نقل شده که رسول خدا ﷺ آن را آیه به آیه می خواند و نه به صورت چسباندن آیات به یکدیگر (ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ۱۱۴/۱؛ واحدی، ۱۴۱۶ق: ۱۲/۱؛ احمد بن حنبل، ۱۴۲۴ق: ۱۹۴/۱۰). کیفیت قرائت آیه «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» (توحید: ۴) توسط رسول خدا ﷺ نیز از جمله گزارشاتی است که از امّ سلمه نقل شده است (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۱۳/۱).

۴-۵. منقولات فقهی

جایگاه علمی امّ سلمه در نزد رسول خدا ﷺ و همسران آن حضرت باعث شد تا بخش فراوانی از منقولات امّ سلمه در کتب اهل سنت، روایات فقهی باشد. گاهی مردم برای پرسش سؤالات فقهی خود به ایشان رجوع می کردند؛ حتی زمانی که برخی از همسران پیامبر اکرم ﷺ از پاسخ به سؤالات فقهی مردم عاجز بودند، به ایشان ارجاع می دادند؛ لذا بخشی از منقولات امّ سلمه، روایات فقهی است. اهل سنت این حجم از روایات فقهی را در کتبی که در آن روایت صحابه را جمع آوری کرده اند و به نام مسانید معروف و مشهور است، گردآوری نموده اند.

کتاب مُسند احمد و المعجم الکبیر طبرانی از جمله این کتب می باشند. باتوجه به حجم فراوان روایات فقهی، به گزارشی از موضوعات آن بسنده می کنیم. این روایات در موضوعاتی مانند: نماز، روزه، زکات، طهارت، اعتصام به کتاب و سنت، اموات، حج، نکاح، رضاع، طلاق، نفقه، اطعمه، اشربه، عتق، لباس و قضاوت بیان شده است (طبرانی، ۱۴۲۲ق: ۲۴۶/۲۳-۲۴۱؛ احمد بن حنبل، ۱۴۲۴ق: ۱۶۹-۲۲۹؛ صدوق، ۱۴۰۶ق: ۶۱؛ سید بن طاووس، ۱۴۰۹ق: ۶۸۴/۲؛ نوری، ۱۴۰۸ق: ۲۴۱/۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۵۰۳/۱۰؛ سیدمرتضی، ۱۹۹۸م: ۳۹۶/۱).

نتیجه‌گیری

از بررسی تطبیقی روایات أمّ سلمه از دیدگاه فریقین، نتایج قابل توجهی به دست آمد. أمّ سلمه، به‌عنوان یکی از محدّثان فریقین، از جهت نزدیکی به رسول خدا ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. روایات او گستره‌ای از موضوعات کلامی، فقهی، اخلاقی و تفسیری را دربرمی‌گیرد. در حوزه کلام، موضوعاتی مانند: توحید، زیارت قبور، تبرک و امامت برجسته هستند. روایات کلامی أمّ سلمه درباره توحید، زیارت قبور و تبرک، کمیاب بوده و تنها در کتب اهل سنت یافت می‌شوند، درحالی‌که موضوعاتی مانند امامت امیرالمؤمنین علی و فضائل دوازده امام، فقط در منابع شیعه موجودند. بیشترین حجم روایات کلامی او درباره فضائل اهل بیت علیهم‌السلام است که به‌طور مشترک در منابع هر دو مذهب ذکر شده‌اند، هرچند در منابع شیعه پررنگ‌تر است.

بخش دیگری از روایات أمّ سلمه در موضوعات فقهی است که در کتب فریقین به‌صورت مشترک نقل شده است. اگرچه این موضوعات فقهی در منابع شیعی نیز یافت می‌شود؛ اما در واقع می‌توان ادعا کرد که بیشترین بخش منقولات اهل سنت از أمّ سلمه روایات فقهی است.

در موضوعات فقهی، منقولات أمّ سلمه به‌صورت مشترک در کتب فریقین نقل شده‌اند و اگرچه در منابع شیعی نیز موجودند، بیشتر روایات اهل سنت از أمّ سلمه به مسائل فقهی مربوط می‌شود. در زمینه اخلاق، روایات أمّ سلمه که در کتب هر دو مذهب آمده‌اند، تعداد محدودی دارند. یکی از مهم‌ترین دسته‌های روایات او که در هر دو مذهب برجای مانده‌اند، روایات تفسیری است. این روایات شامل نحوه قرائت قرآن توسط پیامبر ﷺ، شرح و تفسیر آیات، و بیان شأن نزول آنهاست.

پژوهش در روایات أمّ سلمه نشان می‌دهد که تصویر ارائه شده از او در منابع اهل سنت، عمدتاً محدود به شخصیت فقهی است، تاجایی که او بیشتر به احکام و مسائل شرعی پرداخته و در حوادث مهم زمان خود کمتر مورد توجه قرار گرفته است. باین حال، تحلیل روایات موجود در کتب شیعه نشان می‌دهد که او در مسائل و رویدادهای مهم، به‌ویژه در حوزه امامت، دارای نقش برجسته‌ای بوده و این امر ممکن است باعث شده باشد که جایگاه او در میان اهل سنت نسبت به برخی دیگر از همسران پیامبر ﷺ کمتر دیده شده باشد.

منابع

کتابها

- قرآن کریم

۱. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز، سوم.
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغة، قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی.
۳. ابن اثیر جزری، علی بن عبدالواحد، (۱۴۲۳ق)، أسد الغابة في معرفة الصحابة، بیروت: دارالفکر.
۴. ابن جوزی، عبد الرحمن بن عمر، (۱۴۲۲ق)، زاد المسیر في علم التفسیر، بیروت: دارالکتب العربی.
۵. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، (۱۴۲۱ق)، الإصابة في تمييز الصحابة، بیروت: دارالفکر.
۶. ابن حیون، نعمان بن محمد، (۱۴۰۹ق)، شرح الاخبار في فضائل الأئمة الأطهار، قم: جامعه مدرسین.
۷. ابن سعد، محمد بن سعد، (۱۴۱۴ق)، الطبقات الکبری، بیروت: دارالفکر.
۸. ابن شاذان قمی، شاذان بن جبرئیل، (۱۴۲۳ق)، الروضة في فضائل امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، قم: مکتبه الامین.
۹. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابی طالب عليه السلام، قم: علامه.
۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۵ق)، لسان العرب، قم: نشر ادب الحوزه.
۱۱. ابی داود، سلیمان بن اشعث، (۱۴۲۱ق)، سنن ابی داود، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
۱۲. احمد بن حنبل، احمد بن محمد، (۱۴۲۴ق)، المسند للإمام أحمد بن حنبل، بیروت: دارالفکر، سوم.
۱۳. اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۱ق)، كشف الغمه في معرفة الأئمة، تبریز: بنی هاشمی.
۱۴. البانی، محمد ناصر الدین، (۱۴۰۵ق)، ارواء الغلیل في تخريج احاديث منار السبیل، بیروت: المکتب الاسلامی، دوم.
۱۵. بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۲۲ق)، صحیح بخاری، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۶. بیهقی، احمد بن حسین، (۱۴۰۵ق)، دلائل النبوة، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۱۷. ثعلبی، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۸ق)، تفسیر الثعلبی جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۸. ثعلبی، احمد بن محمد، (۱۴۲۲ق)، الكشف و البیان تفسیر الثعلبی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۹. حافظ مزی، یوسف بن عبدالرحمن، (۱۴۰۰ق)، تهذیب الکمال، بیروت: موسسه الرساله.
۲۰. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۱. _____، (۱۴۲۵ق)، إثبات الهداة، بیروت: علمی.
۲۲. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، (۱۴۱۱ق)، شواهد التنزیل، تهران: مجمع إحياء الثقافه الاسلامیه.
۲۳. خزاز رازی، علی بن محمد، (۱۴۰۱ق)، کفایه الأثر، قم: بیدار.
۲۴. دیلمی، حسن بن محمد، (۱۴۱۲ق)، إرشاد القلوب إلی الصواب، قم: الشریف الرضی.
۲۵. ذهبی، شمس الدین، (۱۴۱۷ق)، سیر أعلام النبلاء، بیروت: دارالفکر.
۲۶. زبیری، مصعب بن عبدالله، (بی تا)، نسب قریش، قاهره: دارالمعارف، سوم.
۲۷. سید بن طاووس، علی بن موسی، (۱۴۰۰ق)، الطرائف فی معرفه مناهب الطوائف، قم: خیام.
۲۸. _____، (۱۴۰۹ق)، إقبال الأعمال، تهران: دارالکتب الإسلامیه، دوم.
۲۹. سیدمرتضی، علی بن حسین، (۱۹۹۸م)، أمالی المرتضی، قاهره: دارالفکر العربی.
۳۰. سیوطی، عبد الرحمن ابی بکر، (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
۳۱. شامی، یوسف بن حاتم، (۱۴۲۰ق)، الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللهمم، قم: جامعه مدرسین.
۳۲. صادقی تهرانی، محمد، (۱۴۰۶ق)، الفرقان، قم: فرهنگ اسلامی، دوم.
۳۳. صدوق، محمد بن علی، (۱۳۷۶ش)، أمالی، تهران: کتابچی، ششم.
۳۴. _____، (۱۳۶۲ش)، خصال، قم: جامعه مدرسین.
۳۵. _____، (۱۳۸۵ش)، علل الشرایع، قم: کتابفروشی داوری.
۳۶. _____، (۱۴۰۶ق)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم: دارالشریف الرضی للنشر، دوم.
۳۷. صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، دوم.

٣٨. طبرانی، سلیمان بن أحمد، (١٤٢٢ق)، المعجم الكبير، بیروت: دار إحياء التراث العربی، دوم.
٣٩. ———، ———، (٢٠٠٨م)، التفسیر الكبير تفسیر القرآن العظيم، اربد: دارالکتاب الثقافی.
٤٠. طبرسی، فضل بن حسن، (١٤١٢ق)، تفسیر جوامع الجامع، قم: حوزه علمیه قم.
٤١. طبری، محمد بن جریر، (١٤١٢ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
٤٢. ———، ———، (١٤١٣ق)، دلائل الإمامة، قم: موسسه البعثه.
٤٣. طوسی، محمد بن حسن، (١٤١٤ق)، أمالی، قم: دارالثقافه.
٤٤. ———، ———، (١٤٢٧ق)، رجال طوسی، قم: نشر رضوی، سوم.
٤٥. ———، ———، (١٤٣٠ق)، التیان، قم: موسسه نشر اسلامی.
٤٦. غیب غلامی، حسین، (١٣٩٦ش)، هلال نجد، قم: انتشارات مطیع، دوم.
٤٧. فراء، یحیی بن زیاد، (١٩٨٠م)، معانی القرآن، قاهره: الهیئه المصریه العامه للکتاب، دوم.
٤٨. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، (١٤٠٣ق)، القاموس المحیط، بیروت: دارالفکر.
٤٩. قرطبی، یوسف بن عبد البر، (١٤١٢ق)، الاستیعاب فی معرفه الأصحاب، بیروت: دارالعجل.
٥٠. قمی، محمد بن محمد رضا، (١٣٦٨ش)، کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
٥١. مامقانی، عبدالله، (١٣٥٢ق)، تنقیح المقال، نجف الاشراف: مطبعه الرضویه.
٥٢. مجلسی، محمدباقر، (١٤٠٣ق)، بحار الانوار، بیروت: موسسه الوفا، دوم.
٥٣. مراغی، احمد مصطفی، (بی تا)، تفسیر المراغی، بیروت: دارالفکر.
٥٤. مسلم، مسلم بن حجاج، (١٤٢٠ق)، صحیح مسلم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
٥٥. مظفر، محمد حسن، (١٤٢٢ق)، دلائل الصدق لنهج الحق، قم: ستاره.
٥٦. مفید، محمد بن محمد، (١٤١٣ق)، الجمل و النصرة لسید العتره فی حرب البصره، قم: کنگره شیخ مفید.
٥٧. نوری، حسین بن محمد تقی، (١٤٠٨ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: موسسه آل البيت عليه السلام.
٥٨. واحدی، علی بن احمد، (١٤١١ق)، أسباب النزول القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیه.
٥٩. ———، ———، (١٤١٦ق)، الوسيط فی تفسیر القرآن المجید، قاهره: جمهوریه مصر العربیه وزارت الاوقاف، المجلس الاعلی للثئون الاسلامیه لجنه احياء التراث الاسلامی.

۶۰. واقدی، محمد بن عمر، (۱۴۱۸ق)، کتاب المغازی، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۶۱. ورام، مسعود بن عیسی، (۱۴۱۰ق)، تنبیه الخواطر و نزّهة الناظر المعروف بمجموعه ورام، قم: مکتبه فقیه.
۶۲. هاشمی شهیدی، اسد الله، (۱۳۸۷ش)، ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و مناهب و ملل جهان، قم: مسجد مقدس جمکران، چهارم.
۶۳. هیشمی، علی بن ابی بکر، (۱۴۱۲ق)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت: دارالفکر.
۶۴. یوسفی غروی، محمد هادی، (۱۳۹۳ش)، دائرة المعارف صحابه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، ایران: شرکت چاپ و نشر بین الملل، دوم.

مقالات

۱. مهریزی، مهدی، (۱۳۸۹ش)، «روایات تفسیری شیعه، گونه‌شناسی و حجیت»، مجله علوم و حدیث: ۵۵، ۳-۳۶.